

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۲۱ مهر ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۳۸ _ مطلب هفتم: آزادی انسان در انتخاب راه _
 مصادف با: ۶ ربیع الاول ۱۴۴۳
 مطلب هشتم: اثر پذیرش هدایت الهی _ معنای عدم خوف و عدم حزن
 جلسه: ۳
 و بررسی اختصاص آن‌ها به آخرت

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

مطلب هفتم: آزادی انسان در انتخاب راه

در مورد آیه ۳۸ گفتیم مطالبی وجود دارد از جمله مطلبی که مربوط است به این جمله شرطیه: «فَإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مَنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» که البته در ادامه آیه ۳۹ هم به همین موضوع مربوط است. نکته ای که در اینجا مهم است و باید به آن توجه شود این است که در این دو آیه یعنی آیات ۳۸ و ۳۹، خداوند متعال میفرماید: اگر کسی از هدایت من تبعیت کند، اثرش این است که خوف و حزن در مورد او نخواهد بود و کسانی که از هدایت من تبعیت نکنند و کفر بورزند و آیات ما را تکذیب کنند، اصحاب نار اند و در آن جاودانه خواهند بود. اشاره این آیه به نکته ای است که در آیات دیگر هم خداوند متعال آن را بیان کرده است. یک مسیر کلی و یک امر کلی که خداوند متعال بشر را مختار آفریده و او به اختیار خودش می‌تواند یا راه سعادت را اختیار کند و یا شقاوت را؛ که البته اگر از راه هدایت تبعیت کند، اثرش عدم حزن و خوف است. و اگر راه شقاوت را انتخاب کند، خالد در نار خواهد بود. پس اینکه میفرماید: «فَإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مَنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...» و «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا...» در حقیقت اشاره به آیه سوم سوره انسان دارد که میفرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

اصلاً این مضمون در آیات مختلف در قرآن ذکر شده، حال یا به این بیان یا بیانی دیگر. مثلاً در آیه ۱۲۳ و ۱۲۴ سوره طها نظیر این مضمون آمده است: «فَإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مَنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى، وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا». آثاری که برای انتخاب هر یک از این دو راه ذکر شده، در مواضع مختلف متفاوت است. یکجا عدم خوف و حزن را و مسئله خلود در نار را مطرح کرده. در جایی دیگر اصلاً اثری ذکر نکرده و فقط فرموده: «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». یکجا سخن از معیشت ضیق و تنگنا در زندگی و عدم گمراهی و شقاوت به میان آمده. این یکی از قواعد قرآنی است که در مواضع مختلف تکرار شده؛ و آن هم مسئله قدرت انتخاب بشر و آزاد بودن او برای اینکه از هدایت الهی برخوردار باشد و یا خودش را از هدایت الهی محروم کند است.

این مطلبی است که در طلیعه آیه ۳۸ آمده. در «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ» نمی‌گوید که خدا او را مجبور می‌کند، بلکه این دست خود انسان است که مسیر هدایت را انتخاب کند و تبعیت کند، یا به تکذیب آیات الهی و کفر روی بیاورد. این مسئله مهمی

است که بالاخره انسان امکان اطاعت و عصیان برایش فراهم است، امکان پیروی و تمرد از مسیری که خداوند برای او قرار داده هست.

مطلب هشتم: اثر پذیرش هدایت

حال اگر کسی راه هدایت را انتخاب کرد، «فلا خوفٌ عليهم و لا هم يحزنون»؛ یعنی اثر پذیرش هدایت الهی عدمُ الخوف و عدمُ الحزن است. این خوف و حزن اساساً به چه معنا است و مهمتر اینکه عدمُ الخوف و الحزن وعده ای است که خداوند به انسان میدهد که در آخرت اینچنین خواهد بود یا اینکه در دنیا هم اینچنین است.

معنای خوف و حزن

خوف در واقع یعنی ترس. اگر انسان احتمال زوال یا از دست دادن یک نعمتی را بدهد، او را گرفتار خوف می‌کند. ترس از دست دادن آن چیزهایی را که دارد، او را گرفتار حزن می‌کند. حزن به معنای غم، یعنی نگرانی و اندوه از دست دادن چیزهایی را که داشته است. این اشاره به این دارد که ممکن است یک آفتی تهدید کند دارایی‌ها و نعمت‌های انسان را، حال یا مادی و یا معنوی. حزن هم یعنی نگرانی و اندوه نسبت به چیزهایی که از دست داده. شاید از مهمترین مشکلات بشر در زندگی خودش، شاید در همه نشئات همین دوتا (حزن و خوف) است.

اینکه خداند تبارک و تعالی ثمره پذیرش هدایت الهی را این دو امر معرفی می‌کند، یعنی در واقع با از بین رفتن خوف، با زوال خوف، کأن او از همه نگرانی‌ها و آفت‌هایی که ممکن است موجب نگرانی برای او بشود رهایی پیدا می‌کند. حزن هم از بین برود، یعنی کأن او به همه خواسته‌ها و مرادات خودش رسیده، لذا اینکه این دو خصوصیت را به عنوان ثمره هدایت و پیروی از راه خداوند مطرح کرده، یعنی گویا مهمترین چیزهایی که بشر می‌تواند از آنها بهره مند شود، این دوتا چیز است. این دیگر کاری به داشتن و نداشتن ندارد؛ چه بسا کسی داشته‌های زیادی دارد اما دائماً در خوف و حزن است. چه بسا کسی از مال دنیا هیچ چیزی ندارد، اما نه خوف دارد و نه حزن. معلوم است که کدام یک زندگی آسان‌تری دارند. لذا در آیه ای که تلاوت شد خداوند فرمود: «و من أعرض عن ذكری فإنَّ له معيشةً ضنكاً». کسی که از ذکر من اعراض کند، یعنی راه هدایت را طی نکند، در تنگنا خواهد بود. ضنک و تنگی معیشت فقط به فقر مادی نیست، بلکه نیازهای معنوی بسیار مهمتر از این‌ها است. کأن خداوند در دو جمله یعنی «لا خوفٌ عليهم و لا هم يحزنون»، مهمترین چیزهایی را که برای بندگان مطیع خودش قرار داده را در اینجا ذکر کرده. اگر از خوفی که در اینجا مقصود است تهی شود، یعنی از همه آفات‌ها سالم می‌ماند. اگر از حزن رهایی پیدا کند، یعنی به همه لذت‌ها رسیده و علت اینکه عدمُ الخوف را بر عدمُ الحزن مقدم کرده، به تعبیر برخی از مفسرین این است لأن زوال ما لا ینبغی مقدمُ علی طلب ما ینبغی. انسان نگران از دست دادن یک سری از چیزها است، معلوم است که نگرانی از زوال این‌ها مقدم است نسبت به بدست آوردن آن چیزهایی را که از دست داده است. یعنی فعلاً این‌ها زائل بشود، در قدم بعد آن چیزهایی را که ندارد بدست بیاورد و به آنها واصل شود و لذت وصول به این نعمت‌ها برایش فراهم شود.

در این رابطه بحث زیاد است. آیاتی که در آنها خوف و حزن مطرح شده کم نیستند. مانند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ و یا مانند: «يَا عِبَادَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» یعنی برای شما امروز نه خوفی وجود دارد و نه حزنی.

بررسی اختصاص عدم خوف و عدم حزن به آخرت

بخشی از آیاتی که پیرامون خوف و اندوه نسبت به مؤمنان مربوط به آخرت است، مانند همین آیه ای که الان تلاوت شد. بخشی از آیات متضمن این دو اثر، در واقع مبین حالت مؤمنان در روز قیامت و وعده ای است که خداوند به آنها داده که روز قیامت اینچنین است. آیه سوره بقره هم همینطور بود، آنهایی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند و نماز بجا آوردند و زکات پرداخت کردند، نزد پروردگارشان مأجور اند و خوف و حزن در مورد آنها راه ندارد.

اما بعضی از آیات اشاره به خوف و حزن در این دنیا دارد. خداوند وعده می‌دهد به بندگان که نترسید و محزون نباشید و به این وعده خودش هم در این دنیا عمل می‌کند. مانند آنچه که خداوند تبارک تعالی به مادر موسی فرمود: «وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۲ خداوند هم به وعده خودش عمل کرد و به حضرت موسی هم فرمود ما تو را به مادرت رساندیم.

یا به کسانی که مبارزه می‌کند در مقابل دشمنان وعده تفوق و برتری داده و گفته نترسید، سست نشوید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳

اینکه بعضا به مسئله عدم الخوف و الحزن در آخرت اشاره شده، بیشتر به صورت وعده است. یعنی مؤمنان در آخرت خوف و حزن نخواهند داشت. در دنیا هم یا نهی کرده از خوف و حزن و گفته نترسید و نگران نداشته باشید و بعد هم اینچنین شده، اما درخواست داشته که خوف و حزن نداشته باشید. حال سوال این است اثری که برای پذیرش هدایت الهی در این آیه ذکر شده، آیا وعده ای است مربوط به آخرت یا اعم از آن است؟ اگر خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ تَبِعَ هِدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، می‌گوید در آخرت اینچنین است و وعده ای است که مربوط به آخرت است؟ یا اینکه پیروان هدایت خداوند در این دنیا هم خوف و حزن ندارند؟

دیدگاه اول

اینجا برخی از مفسرین کلامشان این است که عدم خوف و حزن مربوط به آخرت است. مثلا فخر رازی می‌گوید: و هذا يدلُّ على أنَّ المكلف الذي اطاع الله تعالى لا يلحقه خوفٌ في القبر ولا عند البعث ولا عند حدود الموقف ولا عند تطاير الكتب ولا عند نصب الموازين ولا عند الصراط كما قال الله تعالى لا يحزنهم الفزع الاكبر و تتلقاهم الملائكة هذا يومكم

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۷.

۲. سوره زخرف، آیه ۶۸.

۳. سوره قصص، آیه ۷.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

الذی کنتم توعدون. روشن است که این آیه دلالت می‌کند بر اینکه هر کسی که اطاعت خداوند تبارک و تعالی را بکند، از زمانی که می‌میرد و عالم قبر شروع می‌شود، دیگر از برزخ تا قیامت گرفتار خوف و حزن نخواهد شد. این اثر و ثمره آن هدایت است. در مواقف مختلف قیامت هم چنین خواهد بود. پس این‌ها همگی مربوط می‌شود به بعد از این دنیا. بر این اساس برخی مفسرین اینطور گمان می‌کنند از جمله استاد بزرگوار ما آیت الله جوادی آملی که ظاهر کلماتشان که در ذیل این آیه بیان داشته اند همین است که این عدم الخوف و الحزن مربوط به آخرت است. شاید یک مؤیدی هم داشته باشد و آن اثر بعدی است که «و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون». ظاهر «اصحاب النار هم فیها خالدون» اشاره به آخرت دارد که اگر اثر مخالفت با هدایت الهی به آخرت مربوط باشد، به قرینه آن اینجا هم باید بگوییم مربوط به آخرت است.

دیدگاه دوم

اما به گمان ما اینچنین نیست. گمان ما این است که عدم خوف و عدم حزن در این آیه اعم است. اینکه می‌فرماید: «فمن تبع هدای فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون»، در واقع به طور کلی می‌خواهد بفرماید کسی که در چارچوب هدایت الهی وارد شود و در این مسیر قرار بگیرد، نه تنها در عالم قبر و برزخ و مواقف قیامت گرفتار حزن نیست، در این دنیا هم اینچنین است. این عمومیت بدون تردید از این آیه استفاده می‌شود. حال اینکه شاهد ما چیست بر این عمومیت اینکه آن انحصار را قبول نداریم، احتیاج به بحث و بررسی بیشتر دارد که انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد. البته پیوستگی آیه ۳۸ و ۳۹ را هم باید توجه داشت که این دو آیه در واقع از جهات مختلف این پیوستگی و ارتباط را دارند.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۲۷.